

سنگش سطح پایداری محلات شهری

(محلات خیابان شهریار تبریز)

مؤلف:

مهدی پور - جبر

سرشناسه	:	پوراکبر، مهدی، ۱۳۷۳ -
عنوان و نام پدیدآور	:	سنجش سطح پایداری محلات شهری (محلات خیابان شهریار تبریز) / مولف مهدی پور اکبر.
مشخصات نشر	:	تبریز: گنج حضور، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	:	۱۱۳ص: مصور، جدول.
شابک	:	978-622-95643-4-9
وضعیت فهرست نویسی	:	فجپا
موضوع	:	توسعه پایدار شهری -- ایران -- تبریز -- نمونه پژوهی
موضوع	:	-- Iran -- Tabriz -- Case studies Sustainable urban development
موضوع	:	توسعه پایدار -- ایران -- تبریز -- نمونه پژوهی
موضوع	:	-- Case studies -- Iran -- Tabriz Sustainable development
موضوع	:	محلها -- ایران -- تبریز -- برنامه ریزی -- نمونه پژوهی
موضوع	:	Neighborhood planning-- Iran -- Tabriz -- Case studies
رده بندی کنگره	:	HC
رده بندی دیویی	:	۲۶۳۲/۳۳۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۶۹۱۱۰۴

سنجش سطح پایداری محلات شهری : عنوان

مهدی پور اکبر : نویسنده

گنج حضور : ناشر

مسعود حقی : طرح آرایشی و طرح روی جلد

تبریز - ویرایش و چاپ : ۱۳۹۸ : نوبت چاپ

۱۰ جلد : تیراژ

۲۰۰۰۰ تومان : قیمت

۹ - ۴ - ۹۵۶۴۳ - ۱۲۲ - ۹۷۸ : شابک

مرکز فروش : تبریز، انتشارات گنج حضور

تلفن : ۰۴۱۳۳۳۶۰۳۶۱

فهرست

۱	مقدمه.....
۸	بخش اول: مفاهیم، رویکردها و نظریه‌های محله و محله محوری.....
۸	مفهوم و تعریف محله‌های شهری.....
۱۱	واحد محله شهری.....
۱۲	رویکردهای معطوف به معانی محله.....
۱۲	رویکرد انسانی.....
۱۲	مبحث شیدایی گذشته.....
۱۳	مبحث طبیعت‌گرا.....
۱۳	مبحث ناک‌با آباد.....
۱۲	مبحث عملیاتی.....
۱۴	رویکرد ابزاری.....
۱۴	رویکرد پدیدار شناختی.....
۱۵	معیارهای تعریف محله.....
۱۵	ضرورت تعریف و تبیین مفهوم محله.....
۱۷	محله در دیدگاه‌های مختلف.....
۱۷	محله از دیدگاه جامعه‌شناسی شهری.....
۲۰	دیدگاه‌های روانشناسی اجتماعی در مورد محله.....
۲۰	محله از دیدگاه علوم اجتماعی.....
۲۲	محله از دیدگاه جغرافیای شهری و اجتماعی.....
۲۳	محله از منظر برنامه‌ریزی شهری.....
۲۶	مفاهیم محله در ایران.....
۳۲	عناصر، مؤلفه‌ها و کارکردهای محله.....
۳۴	بررسی تجارب عملی در ارتباط با محلات شهری.....
۳۶	بررسی راهبردها و تجارب مداخله در توسعه پایدار محله‌ای.....
۳۶	الگوی اول (مبتنی بر خودیاری).....
۳۶	الگوی دوم (ارائه کمک‌های فنی به اجتماعات محلی).....
۳۷	الگوی سوم (توزیع و کارکرد قدرت).....
۳۷	دیدگاه دارایی-مبنادر برنامه‌ریزی محله مینا.....

۳۹	بررسی برخی از تجربیات جهانی درباره رویکرد توسعه محله ای
۳۹	سوئد
۲۱	کانادا
۲۳	بررسی برنامه ریزی توسعه محلی در شهر ونکور
۲۵	نتیجه گیری از رویکرد محله در برنامه ریزی شهری
۲۸	بخش دوم: مفاهیم، رویکردها و نظریه های توسعه، توسعه پایدار شهری و توسعه محله ای
۲۸	توسعه پایدار
۵۰	بررسی اهداف توسعه هزاره
۵۱	اصول توسعه پایدار
۵۲	اهداف توسعه پایدار
۵۳	ابعاد توسعه پایدار
۵۳	پایداری اکولوژیکی
۵۲	پایداری اقتصادی
۵۲	پایداری اجتماعی
۵۵	پایداری فرهنگی
۵۵	پایداری فضایی - مکانی
۵۵	پایداری نهادی
۵۷	نظریه توسعه پایدار شهری؛ نظریه مبنای پژوهش
۶۲	بررسی ویژگی های توسعه پایدار از نظر کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه
۶۵	رویکرد سیستمی و توسعه پایدار
۶۸	دیدگاه های مختلف در باره توسعه پایدار
۶۸	دیدگاه اقتصاد نئوکلاسیک
۶۸	دیدگاه دانشمندان بوم شناسی
۶۹	دیدگاه توازن مواد
۷۰	دیدگاه سیستمی
۷۱	پایداری محله و محله پایدار
۷۵	جمع بندی بخش توسعه، توسعه پایدار شهری
۸۶	شناخت شهر تبریز با تاکید بر سازمان فضایی آن در ادوار زمانی مختلف
۸۶	تاریخچه و چگونگی پیدایش شهر

- ۸۹.....موقعیت جغرافیایی کلانشهر تبریز.....
- ۹۱.....خصوصیات و تحولات جمعیتی شهر تبریز.....
- ۹۲.....توزیع جمعیت در مناطق کلانشهر تبریز و محدوده مورد مطالعه.....
- ۹۳.....خصوصیات اقتصادی جمعیت شهر تبریز.....
- ۹۴.....سازمان فضایی شهر تبریز قبل از مدرنیسم.....
- ۹۵.....ساختار کالبدی شهر قبل از شروع مدرنیسم.....
- ۹۷.....تحولات سیاسی - اقتصادی شهری بعد از سال ۱۳۰۰.....
- ۹۹.....تحولات کالبدی شهر تبریز در دوره مدرنیسم از سال ۱۳۰۰ به بعد.....
- ۱۰۲.....سازمان فضایی تبریز با توجه به ساختار جمعیتی مناطق و محلات آن.....
- ۱۰۳.....بررسی کاربردهای اراضی در محدوده مناطق ده گانه تبریز.....
- ۱۰۴.....بررسی و تجزیه و تحلیل سانه کاربری کلان اراضی شهر تبریز.....
- ۱۰۵.....منابع.....

مقدمه

تردید در توانایی خلق شهر به عنوان يك اصل کلی، زمینه را برای اهداف معمولی و قابل دستیابی فراهم کرده است. مطالعات نیز نشان می‌دهد که پرداختن به عرصه‌های زندگی کلان اجتماعی و جنبه‌های تجریدی آن، به تنهایی، هیچ کمکی به توسعه شهری و مسائل آن نمی‌کند و با تردید در توانایی خلق شهر به عنوان يك کلیت زمینه‌ای برای اهداف معمولی و قابل دستیابی تر فراهم شده است. یکی از پیامدهای برنامه‌ریزی جامع - تفصیلی و طرح‌های جامع سنتی گرایش به کلان‌نگری و یکسان‌سازی، حذف ارزش‌ها و راه‌حل‌ها بوده و در نتیجه پاسخگویی به تفاوت‌ها و گوناگونی نیازها در شهر و اجتماع‌های مختلف ناکام مانده است (مهدی زاده، ۱۳۹۱). در واکنش به این وضع امروزه بسیاری از نظریه‌ها و رویه‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهری به مقیاس‌های کینی، کوچک و مشخص انسانی در قلمرو اجتماع محلی، روی آورده و با بهره‌گیری از ستاوردهای علوم اجتماعی دریافته‌اند که شهر پایدار و کیفیت محیط زندگی، بدون ایجاد اجتماع‌های باهویت و فضای تعریف شده‌ی سرزنده، هیچ معنایی ندارد. بر همین اساس باید پایه‌های طراحی شهری پایدار و بسیاری از راهکارهای آن را در همین چارچوب الگوی محله جستجو کرد. در واقع محله‌ها در فضاهای ساماندهی شده در سطح میانی شهر عمل می‌کنند که آثار شکاف بین عرصه‌های خصوصی و عمومی را کاهش می‌دهند و از سوی دیگر به امنیت و انسجام اجتماعی کمک می‌کند. این پایه‌های اصلی برای برنامه‌ریزی و طراحی در مقیاس محله به شمار می‌رود.

جنبش «توسعه محله‌ای» در چارچوب و محله‌ها سلول‌های شهری را «توسعه پایداری شهری» واحد برنامه‌ریزی خود قرار داده و در این راستا عمدتاً بر ابعاد اجتماعی، ظرفیتهای موجود در محله‌ها و سرمایه‌های اجتماعی تاکید می‌نماید. نتیجه این توجه شکل‌گیری رویکردهای مختلف از جمله برنامه‌ریزی محله - مبنا، رویکرد دارایی - مبنا... (که بازآفرینی محله‌های شهری و توجه به ظرفیت‌ها و سرمایه‌های اجتماعی در این محله‌ها و واحدهای شهری را محور توجه خود قرار داده است)، در عرصه برنامه‌ریزی شهری می‌باشد.

در کشور ما نیز، با توجه به تجربیات گذشته و همچنین نابسامانی حیات شهری (به‌خصوص کلانشهرها) در وضع موجود، برنامه‌ریزان و مدیران شهری ناگزیر از توجه به برنامه‌ریزی در مقیاسهای خرد در قالب واحدها و سلولهای شهری یعنی محله‌ها می‌باشند. در این صورت است که می‌توان بعد مختلف زندگی شهری را به شکلی ملموس مورد بررسی قرار داد و با برنامه‌ریزی مناسب و استفاده از منابع محلی به شاخصهای «توسعه محله‌ای» دست یافت. محله‌هایی که در ارتباط با یکدیگر شهر را تشکیل می‌دهند. جا دارد مدیران کلانشهرهای کشور که با انبساط از مشکلات گوناگون شهری از جمله بی‌هویتی، آسیبهای اجتماعی، اغتشاشات کالبدی،... مواجهند، رویکرد توسعه محله‌ای را به عنوان راهی به سوی توسعه شهری مدنظر قرار دهند.

یکی از ویژگی‌های ارزشمند «محله» این است که مقیاس خوبی برای برنامه‌ریزی کیفی و طراحی شهری به شمار می‌رود و این امکان را فراهم می‌کند که تمام فعالیتهای مربوط به طراحی شهری به صورتی هدفمند، از مقیاس کلان شهری

گرفته تا فضاها و عناصر شهری منفرد، از يك پیوستگی و انسجام فضایی و اجتماعی برخوردار باشد. بنابراین مقیاس محله (واحد همسایگی) پراگماتیک ترین ابزار طراحی است. این ابزار از يك طرف می تواند ثبات ثوریک محکمی داشته باشد و از طرف دیگر عملی و قابل دستیابی می باشد.

شهر به عنوان واقعی جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و جامعه شناختی در هر دوره ای از رشد و تحول خود از هر کدام از این عوامل تأثیر پذیرفته و بر هر کدام از آنها تأثیر گذاشته است. پیچیدگی هر يك از این عوامل خود موجب پیچیدگی شهر به عنوان تبلور نسائی آنها بوده است. مطمئناً سازمان دادن و نظم بخشیدن به شهر و چگونگی رشد و تحول آن نیازمند موضوع شناسی شهر و مسائل شهری و سپس برنامه ریزی برای آن می باشد (پراحمد و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۶۷). شهرهای کشورهای در حال توسعه از منظر برنامه ریزی شهری، با شرایط نامطلوبی مواجه اند؛ به گونه ای که پیتز هال چشم انداز آن را با طرح سؤالی، چنین توصیف می کنند که: آیا در شهرهای جهان در حال توسعه می توان به دریافت هایی از برنامه ریزی شهری دست یافت و از طریق آن امید به افزایش درآمد و بهبود شرایط محیطی همه شهروندان داشت؟ (hall, 2004: 2)

پیچیدگی فزاینده مسائل و مشکلات شهری به خصوص در کلانشهرها، نیاز آنها را به جامع نگری حل این مسائل اجتناب ناپذیر نموده است. بر همین اساس دیدگاه های مختلفی در مورد رشد و توسعه شهرنشینی از طرف اقتصاددانان، جامعه شناسان و کارشناسان محیط زیست به وجود آمد که رویکرد توسعه پایدار ماحصل تلفیق این سه دیدگاه است (کاظم محمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۵) که از دهی آخر قرن بیستم

ازسوی سازمان ملل مطرح به عنوان دستورکار ۲۱ در سطوح بین المللی، منطقه ای و محلی تعیین گردید (Roseland, 1997: p:199).

در ایران نیز حدود دو دهه است که مباحث توسعه پایدار در همه زمینه‌ها علوم مطرح شده که ابتدا بیشتر در زمینه‌های زیست محیطی و اقتصادی پیگیری می‌شد. با توسعه شهرها در ایران و مطرح شدن اصل توسعه پایدار در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه به عنوان هدف کلی مورد تایید قرار گرفت (موسی کاظمی محمدی، ۱۳۸۵، ص ۹۶). اما ناکامی برنامه‌های کلان، شهر مقیاس در قالب طرح‌های جامع، هادی، و... به دلیل توجه به ابعاد محدود، از حیات شهری، بر کسی پوشیده نیست چرا که در جامعه شهری امروز به منظور رسیدن به توسعه پایدار شهری سطوح پایین تر و ابعاد ملموس زندگی یعنی محلات شهری نقش تعیین کننده و مهمی بر عهده دارند و مانند حلقه واسط بین شهر و شهروندان عمل می کنند. در واقع یکی از مباحث اصلی توسعه پایدار، بحث تقدم توسعه محلی بر توسعه ملی است. محله‌های شهری به عنوان کوچکترین واحد سازمان فضایی شهر، در پایداری شهر اساسی ایفا می‌کند (نادری بوانلو و پرتوی، ۱۳۸۹، ص ۶۷). بنابراین با مطرح شدن دیدگاه توسعه پایدار به عنوان دیدگاهی که حل مشکلات کنونی شهر و زندگی شهر در گرو بازداشت به مفهوم محله می‌داند می‌توان با استفاده از ظرفیت‌های موجود به حل مشکلات و توسعه محلات پرداخت به همین دلیل در دهه‌های اخیر توجه به برنامه‌ریزی محله مبنا مطابق نیازهای توسعه محله ای، در این باب گسترش یافته است. بنابراین برای دستیابی به شهرهای پایدار قبل از هر چیز محلات پایدار لازم است، زیرا محلات به عنوان

کوچکترین واحد تقسیمات شهری، اندام‌های سازنده شهر محسوب می‌شوند (کاظمیان و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۶۳).

محل‌ها محور حیاتی اجتماعی در زندگی شهری سنتی به شمار می‌رفتند که با گسترش محل‌ها محور حیاتی اجتماعی در زندگی شهری سنتی به شمار می‌رفتند که با گسترش شهرنشینی جدید مبتنی بر تقسیم کار و تقویت فرد گرایی، اولویت خودرو در سیاست‌های شهرسازی و فاصله میان محل کار و سکونت، به تدریج اهمیت خود را در سیاست شهری از دست دادند (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۶: ۱۸).

پایداری محل‌ها مسکونی به پایداری اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و مدیریتی بستگی دارد، برآیند توسعه پایدار در برگیرنده کیفیت اقتصادی اجتماعی و سرمایه محیطی است که اعضای اجتماعات محلی را به تولید و باز ساخت زندگی هدفمند برای تحقق ابعاد پایداری خدمات می‌کند؛ در این میان طرح انتقال اداره شهرها از منطقه گرایی به ناحیه گرایی و سپس محله گرایی با تاکید بر تجربیات محلات سنتی، راه حل معقولی در جهت ارتقای کیفیت سکونت، رفع مشکلات در اداره شهرها و توسعه پایدار می‌باشد.

در ایران، رشد شهرنشینی طی پنجاه سال گذشته و جانشین شده داشته است. اولین جهش بعد از جریان اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۵ به وقوع پیوست که طی آن با کم رنگ شدن بخش کشاورزی در اقتصاد کشور و تقویت بخش صنعت و خدمات در شهرها، خیل مهاجرین روستایی به سوی شهرها از جمله کلان شهر تبریز روانه گردید؛ تا جایی که امروزه به جرات می‌توان گفت که بیش از ۴۰۰ هزار نفر جمعیت حاشیه نشین آن، یادگار همان مهاجرت‌های دسته جمعی روستایی دهه مذکور بوده و

این جمعیت عموماً^۱ در حاشیه شمالی و جنوبی شهر در کالبدی متمایز از بافت اصلی و با برنامه شهر، سکنی گزیده و به این ترتیب نوعی واگرایی و ناهمگونی فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی را به ارمغان آورده اند. دومین جهش رشد شهرنشینی به دوران بعد از انقلاب اسلامی بر می گردد که به دلیل انجام عملیات عمرانی گسترده کشوری و از جمله استان آذربایجان شرقی، رشدی برونزا و در عین حال نابرابر را بر پیکره شهرهای بزرگ از جمله کلان شهر تبریز به عنوان یک مرکز اداری- سیاسی و خدماتی- صنعتی منطقه سال ۱۳۸۰ کشور تحمیل کرد. به طوری که استمرار مهاجرت- ها از شهرهای کوچک در یک طرف و عدم رعایت اصل پایداری در استفاده از منابع و امکانات شهری از طرف دیگر باعث رشد نامتعادل جمعیت و مساحت شهری، گسترش حاشیه نشینی، کاهش تراکم جمعیت از ۱۸۹ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۱۱۷ نفر در سال ۱۳۸۵، عدم تعادل میان جمعیت و زیرساخت های شهری، افت کارایی شبکه معابر و دسترسی های اصلی و شریانی، افزایش تبدیل و تغییر کاربری های بی رویه باغات و اراضی زراعی درون و پیرامون شهر به کاربری های مسکونی و تجاری و خدماتی، نابرابری مناطق شهری در برخورداری از سطوح و ارائه های عمومی شهری، تبدیل حاشیه نشینی و روستاهای اطراف تبریز به کوی های مسکونی و شهرک های اقماری گردیده و به شکل گیری منظومه شهری تبریز و قطب بندی فضایی فقیر و غنی به ترتیب در شمال و شرق شهر دامن زده است (پورمحمدی، ۱۳۸۹).

رفع مشکلات مربوط به محله های مورد مطالعه در شهر تبریز، ضمن آنکه می تواند به انسجام بیشتر روابط محله ای منجر شود به نوبه ی خود قادر به ارائه الگوهای هویت بخش برای محله های جدید نیز خواهد بود. در حالیکه رشد سریع

تبریز در کنار وجود ضعف در مدیریت اجرایی و اصول محتوایی طرح‌های سامان دهی محله‌ای این شهر را از پایداری مورد نظر محروم ساخته است. بنابراین شناخت مشکلات مناطق و محلات آنها و آگاهی از عدم پایداری محلات در آنها امری ضروری است، تا بتوان با رفع مواد پایداری در محلات و رساندن به آنها به سطح مناسبی از پایداری، به توسعه پایدار محلات مورد مطالعه و شهر کمک کرد. لذا سعی می‌شود بر اساس ارزیابی و سنجش جغرافیایی مولفه‌های پایداری در سطح محلات خیابان شهریار که در محدوده کالبدی منطقه ۴ شهرداری تبریز قرار دارند به ارائه راهبردهایی جهت تحت‌الصل پایداری بپردازیم و با توجه به شاخص‌های پایداری مشخص شود که کدام یک از محلات منتخب به سطوح پایداری نزدیکتر است؛ و محلات موردی تا چه میزان پایداری می‌کنند.

با عنایت بر اینکه مطالب این کتاب از سازه مفهومی اساسی که همانا محله و محوری و از سویی توسعه پایدار و پایداری محله‌ای تشکیل یافته است؛ لذا سعی بر این است تا تشریح نظری از این سازه‌های مفهومی صورت گیرد. از این رهگذر، این قسمت شامل سه بخش می‌باشد؛ در بخش اول، مفاهیم، رویکردها و نظریه‌های محله و محله محوری مطرح شده و در بخش دوم، مفاهیم، رویکردها و نظریه‌های توسعه، توسعه پایدار شهری و توسعه محله‌ای ارائه می‌گردد. سپس به جمع‌بندی از بخش توسعه، توسعه پایدار شهری پرداخته می‌شود.